



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - بررسی ادله عدم حجیت خبر واحد - بررسی دلیل مصادف با: ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۶  
 اول - بررسی اشکال سوم به دلیل اول - پاسخ دوم به اشکال سوم - دیدگاه چهارم: تفصیل (فرض اول - فرض دوم: دلیل اول - دلیل دوم)  
 سال شانزدهم  
 جلسه: ۲۴

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در بررسی اشکال سوم محقق خراسانی نسبت به دلیل اول بود. دلیل اول که برای عدم حجیت خبر واحد اقامه شده دو آیه از آیات قرآن است. اشکال این بود که این دو آیه به وسیله ادله حجیت خبر واحد تخصیص خوردند. یعنی ادله حجیت خبر واحد مخصّص آن دو آیه محسوب می شوند. عرض کردیم نسبت به این اشکال پاسخ هایی داده شده است. پاسخ اول مورد قبول قرار نگرفت. پاسخ دوم نیز این بود که برخی معتقدند ادله حجیت خبر واحد نسبت به این آیات وارد محسوب می شوند. بعضی معتقدند خبر واحد تخصصاً از دایره این آیات خارج هستند.

#### دیدگاه چهارم: تفصیل

محقق نایینی بین ادله حجیت خبر واحد تفصیل داده است. ایشان بین سیره عقلاء و غیر سیره عقلاء تفکیک کرده و می گوید اگر دلیل حجیت خبر واحد، غیر از سیره عقلایی باشد، آن دلیل حاکم بر آیات ناهیه است؛ اما اگر دلیل حجیت خبر واحد سیره عقلایی باشد آنگاه خروج خبر واحد از شمول این آیات یا به نحو تخصص است یا به نحو ورود. به بیان دیگر سیره عقلاء بر آیات ناهیه وارد محسوب می شوند، بلکه نسبت این دو نسبت تخصص است.

پس در واقع محقق نایینی می خواهد به محقق خراسانی اشکال کند که شما که می گوئید ادله حجیت خبر واحد مخصّص آیات ناهیه هستند؛ اینچنین نیست. نسبت و رابطه اینها یا به نحو حکومت است یا به نحو تخصص و ورود، لذا جای تخصیص نیست.<sup>۱</sup> این محصل فرمایش محقق نایینی است. توضیح ذلک:

ادله حجیت خبر واحد که به زودی آنها را بیان خواهیم کرد چند دلیل است. از جمله بعضی آیات و بعضی اخبار (که آن خودش جای اشکال دارد که آیا می توانیم برای حجیت خبر به خبر استناد کنیم؟) و سیره عقلاء.

#### فرض اول

اگر دلیل حجیت خبر واحد مثلاً برخی آیات قرآن یا برخی روایات متواتره باشد، (زیرا به خبر واحد که نمی شود برای حجیت خبر واحد استناد کرد.) محصل آن این است که اگر مخبر عادل و ثقّه ای برای شما خبری آورد او را تصدیق کنید، فرض کنیم آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» مفهوماً دلالت کند بر اینکه خبر عادل معتبر است، تبیین لازم ندارد، فحوص و جستجو نمی خواهد. مضمون

<sup>۱</sup> فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۶۰ الی ۱۶۲.

این دلیل «صدق العادل» است. خلاصه اش این است، عادل را تصدیق کن، خبرش را تصدیق کن یعنی بر آن اثر مترتب کن، «صدق العادل» معنایش این است. «صدق العادل» که محصل و چکیده ادله حجیت خبر واحد (غیر از سیره عقلایی است) این است که اگر ثقة ای و عادلی برای شما خبر آورد با آنکه در مورد خبر او احتمال خلاف وجود دارد، اما این احتمال خلاف را نادیده بگیر و تعبدا این خبر را نازل منزله یقین و قطع قرار بده، این محصل این ادله است.

پس ما از یک طرف «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» را داریم که مضمونش این است که اگر چیزی مفید علم نبود آن را دنبال نکن.

### فرض دوم

اما ادله حجیت خبر، که مفاد و مضمونش «صدق العادل» است، کأنه به ما می گوید تعبدا خبر او را علم آور قرار بده، تعبدا احتمال خلاف را در آن نادیده بگیر، اگر چنین توضیح و تفسیری از ادله حجیت خبر واحد باشد، این حاکم بر او خواهد بود. دقیقا مثل «لا شک لکثیر الشک» و نیز «اذا شککت فابن علی الاکثر»، چون «اذا شککت فابن علی الاکثر» می گوید اگر شک کردی بنا را بر اکثر بگذار، اما «لا شک لکثیر الشک» به ما می گوید تعبدا کثیر الشک را غیر شاک فرض کن، با اینکه شخص شاک فرق نمی کند شکش کثیر باشد یا قلیل باشد، بالاخره شاک است، عالم و متیقن نیست، ولی «لا شک لکثیر الشک» به ما می گوید تعبدا او را عالم فرض کن.

پس این دلیل یعنی «صدق العادل» (ما چیزی به نام «صدق العادل» نداریم بلکه این عصاره ادله حجیت خبر واحد است) می گوید عادل را تصدیق کن چون شخص عادل اگر خبری آورد دیگر از مصادیق «ما لیس لک به علم» نیست بلکه «به علم» است. پس اگر دلیل حجیت خبر واحد غیر از سیره عقلاء باشد بر آن آیات حکومت پیدا می کند.

اما اگر دلیل حجیت خبر واحد سیره عقلائی باشد، تقدم سیره بر آیات به نحو ورود، بلکه به نحو تخصص است. اول می گوید ورود بعد می گوید بالاتر تخصص است. ایشان آنگاه دو دلیل برای این مدعا می آورد که چرا وارد و بلکه به نحو تخصص است، یعنی اگر تخصص را نپذیرد باید بگوید وارد است به هر حال تخصیص نیست.

### دلیل اول

به طور کلی ما به سیره عقلاء که رجوع می کنیم می بینیم عقلاء همان معامله ای که با قطع می کنند با خبر ثقة نیز می کنند، یعنی همانطوری که اگر یقینی به چیزی یقین داشته باشند اثر بر آن مترتب می کنند، اگر ثقة ای هم برای آنها خبری بیاورد بر آن هم اثر مترتب می کنند، یک وقت یقین دارد که الان از مدرسه پایش را بیرون بگذارد مشکلی برایش پیش می آید، یقین دارد، لذا اینجا اثر مترتب می کند و پایش را از مدرسه بیرون نمی گذارد، حال اگر یقین نداشته باشد و یک ثقة ای برای او خبری بیاورد که او ظن به وقوع یک مشکل برای خودش پیدا کند، پایش را از مدرسه بیرون نمی گذارد. همان معامله ای که با علم و یقین می کنند با خبر ثقة هم می کنند. عقلاء همانطور که در مورد علم و یقین احتمال خلاف نمی دهند آنجایی هم که یک خبر ثقة برایشان قائم شود آنجا هم احتمال خلاف را نادیده می گیرند، اصلا کأنه چنین احتمالی وجود ندارد، با اینکه فی الواقع احتمال خلاف هست.

اگر اینچنین باشد نسبت بین سیره عقلاء و آیات ناهیه می شود تخصص، زیرا موضوعا از دایره آیات ناهیه خارج می شود. آیات ناهیه نهی می کنند از اتباع و پیروی غیر علم، «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» می گوید چیزی که ظنی است و تو به آن یقین نداری

از آن پیروی نکن. سیره عقلاء دلالت می کند بر اینکه خبر واحد نازل منزله علم است. می گوید همانطور که من در علم احتمال خلاف نمی دهم اینجا نیز احتمال خلاف از نادیده می گیرم. پس اصلا موضوعا داخل آیات ناهیه نیست.

ایشان می گوید اگر این هم نباشد حداقل ورود است، فرق تخصص و ورود را قبلا گفتیم، تخصص خروج تکوینی از دایره موضوع است و ورود خروج تعبدی از موضوع است. می گوید اساسا گویا خبر ثقه تکوینا «ما لیس لک به علم» نیست، حال اگر این را هم نگوئیم این است که خبر ثقه تعبدا غیر از «ما لیس لک به علم» است.

## دلیل دوم

مدعا این است که اگر دلیل حجیت خبر واحد سیره عقلایی باشد، نسبت به آیات ناهیه وارد است، بلکه دلالت می کند بر خروج موضوعی خبر واحد از آیات ناهیه تخصصا. این مدعا است؛ اما دلیل:

اگر ما سیره عقلایی را مصداق «ما لیس لک به علم» قرار دهیم از باب اینکه سیره عقلایی در خبر ثقه حقیقتا به گونه ای است که آن را مفید علم نمی داند باید ملتزم شویم به اینکه این آیات آن قدر قدرت و قوت دارند که حتی سیره عقلایی را هم کنار می گذارند و این نتیجه اش این است که اصلا سیره عقلایی دلیل بر حجیت خبر واحد هم نباشد. ایشان می گوید اگر این آیات شامل سیره عقلایی باشد، دیگر نمی تواند دلیل بر حجیت خبر واحد باشد، زیرا در این صورت این آیات حتی از سیره عقلایی نیز نهی می کند.

حال اگر این آیات شامل سیره عقلایی شود، (زیرا طبق فرض سیره عقلایی در خصوص خبر ثقه یکی از مصادیق پیروی از غیر علم است) متوقف بر این است که سیره عقلایی بر اخذ به خبر ثقه مخصص این آیات نباشند. اگر بنا باشد سیره عقلایی مخصص این آیات نباشند، باید آن آیات از سیره عقلایی رد کنند، لذا رادع و مانع بودن این آیات از سیره عقلایی متوقف بر این است که این آیات از سیره عقلایی رد کنند و این توقف الشئ علی نفسه است و دور و محال می باشد.

خلاصه فرمایش محقق نایینی در دلیل دوم این است که اگر بخواهیم سیره عقلایی را دلیل حجیت خبر قرار بدهیم، مستلزم دور محال است، لذا نمی توانیم آن را مخصص قرار دهیم. یا باید بگوئیم ورود یا بگوئیم تخصیص. اگر مخصص باشد سر از دور در می آورد، زیرا اگر سیره عقلایی بخواهد حجیت خبر را اثبات کند، متوقف بر این است که آن آیات شامل سیره عقلایی نشود. اگر بخواهد آن را تخصیص بزند، باید نسبت به او رادع حساب شود. از آن طرف اگر بخواهد این به عنوان دلیل حجیت خبر قبول شود، آن آیات نباید شامل این شود، نباید رادع از سیره عقلایی باشد، نباید به وسیله سیره عقلا تخصیص بخورد، این لازمه اش این است که هم این آیات به وسیله سیره عقلاییه تخصیص بخورند و هم نخورند هم رادع باشند و این دور است و محال.

پس برای اینکه این دور پیش نیاید ما باید بگوئیم اساسا سیره عقلایی بر خبر ثقه و تصدیق ثقه و عادل به طور کلی از دایره آیات ناهیه و پیروی از غیر علم خارج است و اصلا مشمول آن آیات نیست زیرا تنها در این صورت است که ما می توانیم عنوان رادعیت و عدم رادعیت را کنار بگذاریم لذا باید بگوئیم این مربوط به یک موضوع است و آن مربوط به موضوع دیگر. اگر بخواهد غیر از این باشد، سر از دور در می آورد.

اگر دلیل خبر ثقه مشمول «ما لیس لک به علم» باشد لازمه اش این است که آن آیات از خبر ثقه رد کنند، اگر بخواهد آن آیات از خبر ثقه رد کند باید این دلیل یعنی سیره مخصص نباشد. اگر بخواهد مخصص باشد باید نسبت به آن رادع محسوب شود برای

اینکه این مشکل پیش نیاید باید بگوییم موضوعاً مشمول آن آیات نیست و خروج یک خروج تخصصی است. ایشان نهایتاً می‌فرماید بر فرض که ما تخصص را نپذیریم یا ورود را؛ (سلمنا که بگوییم نه ورود است نه تخصص) باید بگوییم حاکم است، بالاخره نوبت به تخصیص نمی‌رسد، یعنی نهایت مماشات با شما این است که ما سیره عقلایی را که دلیل حجیت خبر واحد است مثل غیر آن حاکم بدانیم یعنی بگوییم در همه موارد حاکم است به هر حال نوبت به تخصیص نمی‌رسد.

### **بحث جلسه آینده**

بررسی اشکال محقق نایینی به محقق خراسانی

«الحمد لله رب العالمین»